

بررسی اقوال جریان‌ات زندگانی حضرت زینب (س) از ولادت تا وفات

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۶/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۲)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

سید قاسم سپهری سیدی پناه

سید حسن حسینی فاضل

چکیده

حضرت زینب (س) فرزند امیر ولایت امام علی (ع) و بانوی نجابت حضرت فاطمه (س) است که در سال پنجم یا ششم هجری قمری در مدینه چشم به جهان گشود. بانوی پر فضیلتی که القاب و کنیه فراوان دارد. هنگام ولادتش حضرت رسول اکرم (ص) به خانه حضرت فاطمه (س) رفت و در این هنگام جبرائیل نیز نازل شد و پیام آورد که خداوند می‌فرماید: «نام این دختر را زینب بگذار!» سپس جبرائیل به مصائبی که در آینده برای او رخ خواهد داد، خبر داد. پیامبر (ص) گریست و فرمود: «کسی که بر مصیبت‌های این دختر گریه کند، همانند کسی است که برای برادرش، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) گریسته است.» از القاب مهم ایشان «ام المصائب» است که اسوه صبر است و اسوه تحمل داغ برادران و برادر زادگان و فرزندان! در ماجرای عاشورا، طبق مقاتل در چند موقف، اسم حضرت زینب (س) آمده است که این نشان از این دارد که این بانوی رشیده در همه زوایای کربلا نقش دارد و در آخر دردهای دیده را تعبیر به زیبایی می‌کند و اینچنین جواب گستاخی «ابن زیاد» را می‌دهد که در کربلا جز زیبایی ندیدم! او در شب عاشورا، پس از شهادت حضرت علی اکبر (ع)، هنگام شهادت حضرت علی اصغر (ع)، قبل از شهادت عبدالله بن حسن (ع)، هنگام وداع امام حسین (ع)، هنگام شهادت امام حسین (ع)، قتلگاه، هنگام هجوم به خیمه‌ها، مجلس عبیدالله در کوفه، مجلس یزید در شام، مراجعت به مدینه حضور دارد. طبق بررسی‌های انجام شده، سند روایت «ماجرای کوییدن سر مبارک در کوفه» مرسل و غیر معتبر است. در مورد محل دفن حضرت زینب (س) سه دیدگاه وجود دارد: شام، مصر، بقیع مدینه.

واژگان کلیدی: حضرت زینب (س)، تاریخ حیات زینب کبری، امام حسین (ع)، عاشورا

مقدمه

نهضت و قیام عاشورای حسینی از مهم ترین حوادث تاریخ اسلام به شمار می رود و از زوایای مختلفی نیز قابل تحلیل است.

حتی می توان این زوایای پر از درد و رنج و خون را تحلیل به زیبایی کرد! زیباترین آن «عزت حسینی» بود که همواره این عزت با نهضت امام حسین (ع) توأم بود. و باید گفت که صحنه کربلا صرفاً تقابل بین دو سپاه یا دو لشکر نبود، بلکه تقابل نور و ظلمت، تقابل کفر و ایمان و تقابل بین عزت و ذلت بود. امام حسینی (ع) که شعارش؛ «هیئات منّا الذّله» بود و مرگ با عزت را بهتر از زندگی با ذلت می دانست. و چه نیک گفت به خواهرش، که ای زینب (س)! مبدا بعد از من چیزی که از ارزش قیامان بکاهد، بر زبان جاری کنی!

حضرت زینب (س) این عقیده بنی هاشم، گوش به فرمان برادر، با تبلیغات بجا، روشن و به ویژه با خطابه های افشاگرانه و علوی گونه ی خویش در کوفه و شام توانست بر افکار مسلمان ها تاثیر عمیقی گذاشته و آنها را از خواب غفلت بیدار کند و چهره واقعی امویان را برملا سازد.

نقش زینب کبری (س) هم در بقاء و هم در جاودانگی اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. و به حق گفته اند که؛ کربلا در کربلا می ماند اگر زینب (س) نبود. وقتی زینب کبری (ع) در کوفه زبان به خطبه گشود، کوفیان گفتند؛ گویی علی (ع) تکلم می کند و یاد خطبه های بیست سال و اندی قبل پدرش را برای ما تداعی می کند.

حنجره زینب (س) از خنجر می گوید که به خاطر بی وفایی و جهالت امت بر فرق پدر در مسجد کوفه و بر ران پای برادر در مدائن و بر گلوی تمام هستی اش در کربلا فرود آمده است. زینب (س) ماموریت دارد تا زنگار از قلب کوفیان پاک کند. ایثار، فداکاری، وزانت عقل، صبر و بردباری، علم وسیع و دانش وافر، سخنان سنجیده و منطقی او در فرصت های حساس توأم با آن مظلومیت و ستم های جانکاهی که به او وارد آمده است، از او چهره یک شخصیت بی نظیر، رزم آور شجاع، جهادگر بیباک و سخنور توانا را در قلوب و اذهان ترسیم نموده است که تا چرخ زمان حرکت دارد، تا نسل ها در روی زمین حیات دارند و تا زمین دور خورشید می گردد این چراغ فروزان، نورافکن جهانیان و نسل های آینده خواهد بود.

در این مقاله کوشیده ایم در قالب چهار محور اصلی، گزاره هایی از حیات طیبه ی اسوه صبر و مقاومت حضرت زینب کبری (س) به صورت مختصر و در عین حال دقیق و مستند بیان کنیم و در این این مهم به چند شبهه درباره زوایای زندگی آن بزرگوار پاسخ دهیم، باشد که قبول بیافتد و ما نیز در زمره شفاعت شوندگان ایشان باشیم.

بخش اول: محور اول

بند اول: زمان و محل ولادت

در منابع تاریخی و منابع قدیمی اطلاعات زیادی درباره زندگی حضرت زینب کبری (س) از جمله تاریخ دقیق ولادت و تاریخ وفات ایشان بیان نشده است. فقط در پاره ای از منابع متاخر به ولادت ایشان در زمان حیات حضرت رسول اکرم (ص) اشاره شده است.

* یحیی بن حسن معروف به عبیدلی از علمای نساب می نویسد:

«أَمَّا الزَيْنَبُ (س) فَوُلِدَتْ فِي حَيَاةِ جَدِّهِ»

حضرت زینب (س) در زمان حیات جدّ بزرگوارش حضرت رسول اکرم (ص) به دنیا آمد.^۱

* ابن حجر عسقلانی نیز به نقل از ابن اثیر می نویسد:

«قَالَ ابْنُ الْأَثِيرِ: أَنَّهَا وُلِدَتْ فِي حَيَاةِ النَّبِيِّ (ص)»

ابن اثیر می گوید: زینب کبری (س) در زمان حیات حضرت رسول اکرم (ص) به دنیا آمد.^۲

اما بعدها توسط برخی مورخان معاصر شیعه، اقوال گوناگونی، در باب ولادت ایشان بیان شد که از این میان، دو قول مشهور در مورد ولادت ایشان است.

(۱) پنجم جمادی الاولی سال پنجم هجری قمری!^۳

(۲) پنجم جمادی الاولی سال ششم هجری قمری!

* مرحوم ذبیح الله محلاتی در کتاب «ریاحین الشریعه» می نویسد:

میلاد آن حضرت (س) را، برخی پنجم ماه جمادی الاولی سال ششم، بعضی اوایل شعبان آن سال، بعضی در ماه رمضان و برخی دیگر در دهه آخر ماه ربیع الثانی و طبق نقلی ماه محرم سال پنجم هجرت ذکر کرده‌اند ولی هیچ یک از این اقوال دلیل محکم تاریخی ندارد و این عدم اتفاق نظر در مورد تاریخ وفات آن مخدّره نیز به چشم می خورد به طوری که برخی آن را در ماه رجب سال ۶۲ و بعضی در چهاردهم رجب سال ۶۲ دانسته‌اند.

* مرحوم شیخ جعفر نقدی نیز به این دو نقل اشاره می کند و می نویسد «الْخَامِسُ مِنْ شَهْرِ جَمَادِي الْأُولَى فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ أَوِ السَّادِسَةِ لِلْهِجْرَةِ عَلَى مَا حَقَّقَهُ بَعْضُ» ولادت ایشان روز پنجم ماه

^۱ اخبار الزینبیات، ص ۱۲

^۲ الاصابه، ج ۸، ص ۱۶۶ (ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۳۵)

^۳ أعلام النساء، ج ۲، ص ۹۱ (۶)

جمادی الاولی سال پنجم یا ششم هجری است، بنابر بعضی اقوالی که در این باره وارد شده است.^۴ پس قول مشهور همان جمادی الاول سال پنجم یا ششم هجری است و در مورد اینکه، این بانوی بزرگوار در شهر مدینه متولد شده است، اختلافی نیست.

بند دوم: نام، القاب و کنیه

معروف ترین نام ایشان، زینب(س) است و ایشان تنها شخصیت غیر معصومی است که طبق روایتی نام ایشان از طرف خداوند، توسط جبرائیل بر حضرت رسول اکرم(ص) نازل گشته است. نقل است هنگامی که حضرت زینب(س) به دنیا آمد، قناده ایشان را خدمت حضرت رسول اکرم(ص) بردند. در این هنگام؛ « فَهَبَطَ جِبْرَائِيلُ يَقْرَأُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) السَّلَامَ مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ وَقَالَ لَهُ: سَمِّ هَذِهِ الْمَوْلُودَةَ زَيْنَبَ » جبرائیل بر رسول اکرم(ص) نازل شد و از طرف خداوند متعال سلام رساند و گفت: نام این مولود را زینب(س) نامگذاری کن!^۵

*استاد یوسفی غروی مورخ نامی شیعه در این باره می نویسد:

اینکه مشهور شده (زینب) را (زینت پدر) و (زینة أب) معنا می کنند، و نیز اینکه گفته می شود پیامبر اکرم(ص) به پیشنهاد جبرئیل(ع) اسم حضرت(س) را زینب گذاشت، اینها ریشه و سندی ندارد و پیش از حضرت زینب(س) نیز این نام در بین عرب رایج بود؛ بعنوان نمونه زینب دختر پیامبر(ص) از حضرت خدیجه(س)، زینب بنت جحش دختر عمه پیامبر(ص) که بعد همسر ایشان شد، و نیز زینب دختر حمزه سیدالشهدا(س).

زینب در اصل نام درختی [یا گلی] زیبا و خوش بو در بیابان بوده که عرب این نام را برای دختران برگزیده بود.

همانگونه که صاحب لسان العرب می نویسد: «الزَّيْنَبُ شَجَرٌ حَسَنُ الْمَنْظَرِ طَيِّبُ الرَّائِحَةِ، وَبِهِ سُمِّيَتِ الْمَرْأَةُ: زَيْنَبُ نام درختی خوش منظر و خوش بویی است و همچنین از آن به عنوان نام زن استعمال می شود. همچنان که در میان غیر عرب نیز نامگذاری دختران بنام بعضی گلها و گیاهان معمول است.»

در تاریخ و روایات برای ایشان، القاب فراوانی نقل شده است، همانند:

عالمه غیر معلّمه / فهمه غیر مفهّمه / کعبه الرزایا / نائبة الزهراء / نائبة الحسين // «ملیكة الدنيا / عقیلة

^۴ زینب الکبری(س)، ج ۱، ص ۱۸

^۵ زینب الکبری(س) من المهد الى اللحد، ص ۳۵

النساء / عدیلة الخامس من أهل الكساء / شریكة الشهيد / كفيلة السجّاد / ناموس رواق العظمة / سیّدة العقائل / سرّ أبیها / سلاله الولاية / ولیده الفصاحة / شقیقة الحسن / عقيلة خدر الرسالة / رضية ثدى الولاية / البلیغة / الفصیحة / الصدیقة الصغری / الموثقة / عقيلة الطالبین / الفاضلة / الكاملة / عابدة آل علی / عقيلة الوحي / شمس قلادة الجلالة / نجمة سماء النبالة / المعصومة الصغری / قرینه النوائب / محبوبه المصطفی / قرّة عین المرتضى / صابرة محتسبة / عقيلة النبوة / ربّة خدر القدس / قبله البرایا / رضية الوحي / باب حطّة الخطایا / حفرة علی و فاطمة / ربيبة الفضل / بطلة كربلا / عظيمة بلواها / عقيلة القریش / الباكیة / سلیلة الزهراء / أمیئة الله / آیه من آیات الله / مظلومة وحيدة / عقيلة بنی هاشم»^۶

* مرحوم سید محسن امین، حضرت زینب (س) را به سبب سختی های بسیاری که در زندگی دید، (از قبیل درگذشت حضرت رسول اکرم (ص)، شهادت و سختی های مادرش، شهادت پدرش امیرالمؤمنین (ع)، شهادت برادرش امام مجتبی (ع)، فاجعه كربلا و شهادت برادرش امام حسین (ع) و بستگان و سایر شهدا، و به اسارت رفتن در کوفه و شام) ام المصائب نیز لقب داده اند.^۷

مرحوم قزوینی در کتاب خود در ادامه روایت فوق، نقل می کند که؛ هنگام ولادت حضرت زینب (س)، جبرائیل گریست و رسول اکرم (ص) علت گریه جبرائیل را پرسید و او عرضه داشت: «إِنَّ حَيَاةَ هَذِهِ الْبِنْتِ سَوْفَ تَكُونُ مَقْرُونَةً بِالْمَصَائِبِ وَالْمَتَاعِبِ مِنْ بَدَايَةِ عُمَرِهَا إِلَى وَقَاتِهَا» همانا حیات این دختر از ابتدای عمرش تا زمان وفاتش مقرون به مصیبت ها و سختی ها خواهد بود. ^۸درباره کنیه حضرت (س) نیز محل اختلاف است که برخی کنیه [أُمّ کلثوم] و برخی کنیه [ام الحسن] نوشته اند.

مرحوم احمد رحمانی همدانی می نویسد «تُكْنَى بِأُمِّ كَلْثُومٍ كَمَا تُكْنَى بِأُمِّ الْحَسَنِ أَيْضًا وَيُقَالُ لَهَا: زَيْنَبُ الْكُبْرَى لِلْفَرْقِ بَيْنَهَا وَبَيْنَ مَنْ سُمِّيَتْ بِاسْمِهَا مِنْ أَخَوَاتِهَا، وَكُنِّيَتْ بِكُنْيَتِهَا، كَمَا أَنَّهَا تَلَقَّبَتْ بِالصَّدِيقَةِ الصَّغْرَى لِلْفَرْقِ بَيْنَهَا وَبَيْنَ أُمِّهَا الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (س)»^۹

حضرت زینب (س) به کنیه ام کلثوم معروف بوده همانگونه که کنیه ابو الحسن داشته است.

^۶ فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ص ۶۳۷

^۷ اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۳۷

^۸ زینب الكبرى (س) من المهد الى اللحد، ص ۳۵

^۹ خصائص الزینبیة، ص ۳۱۳

^{۱۰} اخبار الزینبیات، ص ۱۵

همچنین به ایشان زینب کبری لقب دادند، آن هم به خاطر اینکه بین ایشان و بین خواهری نامش زینب صغری بود، فرق گذاشته شود. همچنان که به ایشان صدیقه صغری گفتند که بین مادرشان فاطمه (س) که صدیقه کبری است، فرق گذاشته شود.^{۱۱}

بخش دوم: محور دوم (شبهات)

بند اول: چندمین فرزند خانواده

همه مورخان و محدثان و دانشمندان شیعه و سنی اتفاق دارند که حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) دو دختر داشته اند.

*شیخ مفید هنگام ذکر فرزندان امام علی (ع) می نویسد:

«امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و زینب کبری (س) و زینب صغری (س) که کنیه های آنان [ام کلثوم] بوده است و مادرشان حضرت فاطمه (س) سید و سرور زنان عالم و یگانه دختر خاتم پیغمبران است.»^{۱۲} همانطور که می دانید (ام کلثوم) اسم نیست و در عرب نامی که با لفظ (آب) یا (أَمّ) شروع شود، کنیه محسوب می شود. پس به این ترتیب [ام کلثوم] کنیه زینب کبری (س) است. از طرفی هم، طبق سخن شیخ مفید اسم کنیه هر دو دختر امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) [ام کلثوم] می باشد و برای فرق گذاشتن بین این دو دختر، هم برای اسم و هم برای کنیه از کلمه صغری و کبری استفاده می شود. از طرفی هر دو خواهر در کربلا نیز حضور داشتند.

طبق مقاتل، در روز عاشورا؛ هنگامی که امام حسین (ع) قصد وداع با اهل خيام کرد، به سمت خیمه گاه رفت و اهل بیت خود را صدا زد و فرمود: «يَا أُخْتَاهُ! يَا زَيْنَبُ (س)، يَا أُمَّ كُلْثُومٍ (س) يَا سَكِينَةَ (س) عَلَيْكُنَّ مِنِّي السَّلَامُ»^{۱۳}

اما در مورد اینکه؛ آن زینب حماسه ساز و بلیغ که امام سجاد (ع) او را (عالمه غیر معلمه) نامید و بعدها لقب (عقیله بنی هاشم) به خود گرفت، و همسر عبدالله بن جعفر بود و طبق نقل مشهور در دمشق دفن شد، زینب کبری (س) است یا زینب صغری (س)؟

« وَ زَيْنَبُ الْكُبْرَى (س) تَزَوَّجَهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) » بلاذری می نویسد:

^{۱۱} فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ص ۶۳۶

^{۱۲} الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۴

^{۱۳} اللهوف، ص ۸۲

عبدالله بن جعفر زینب کبری (س) را به ازدواج خویش در آورد.^{۱۴} اگر چه منابع تاریخی به وجود دو دختر با نام زینب و کنیه ام کلثوم برای امام علی (ع) تصریح می کنند؛ اما تعبیر ام کلثوم و زینب بدون قرینه در احادیث و اخبار منصرف است به همان شخصیت مشهور و حماسه ساز، یعنی حضرت زینب کبری (س) است. پس مورخین سومین فرزند و اولین دختر امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) را زینب کبری (س) با کنیه ام کلثوم کبری (س) می دانند که خطبه های رسا در کوفه و شام بیان نموده است.

بند دوم: تعداد فرزندان ایشان

* ابن حجر عسقلانی به نقل از ابن اثیر می نویسد: « وَ زَوَّجَهَا أَبُو هَا ابْنُ أَخِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ فَوَلَدَتْ لَهُ أَوْلَادًا »

امام علی (ع) زینب کبری (س) را به ازدواج برادر زاده اش عبدالله بن جعفر در آورد و زینب کبری (س) نیز فرزندانی را به دنیا آورد^{۱۵} آنچه مسلم است اینکه حضرت زینب کبری (س) از عبدالله بن جعفر صاحب اولاد شده است ولی اختلاف در این است که آیا آن دو تن [عون و محمد] که نامشان جزء شهدای کربلاست، فرزندان مشترک عبدالله و زینب کبری (س) بودند یا خیر؟

* شیخ مفید نقل می کند که؛ وقتی امام حسین (ع) مکه را به قصد کوفه ترک کرد، در بین راه؛ « وَ الْحَقُّ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ بَابْنَيْهِ عَوْنٌ وَ مُحَمَّدٌ » عبدالله همسر حضرت زینب (س) دو فرزند خود به نام های عون و محمد را نزد امام حسین (ع) فرستاد. عماد الدین طبری می نویسد: محمد و عون فرزندان حضرت زینب (س) از عبدالله بوده است.

* اما محمد بن جریر طبری می نویسد: « مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أُمُّهُ الْخَوَصَاءُ بِنْتُ حَفْصَةَ بْنِ ثَقِيفٍ بْنِ رَبِيعَةَ »

مادر محمد بن عبدالله خوصاء بنت حفصه بن ثقیف و عبدالله بوده است.^{۱۶} اما درباره عون در منابع اینگونه آمده است که؛

* بلاذری می نویسد: « كَانَ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ ابْنَانِ بِاسْمِ عَوْنٍ، لَذَا سُمِّيَ أَحَدُهُمَا عَوْنُ الْأَكْبَرِ وَالْآخَرُ عَوْنُ الْأَصْغَرِ، وَ كَانَتْ أُمُّ أَحَدِهِمَا زَيْنَبُ (س) وَ الْآخَرُ أُمُّ جَمَانَةَ بِنْتُ الْمُسَيَّبِ »

^{۱۴} انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۲

^{۱۵} الاصابة، ج ۸، ص ۱۶۶

^{۱۶} تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۶۹

عبدالله دو پسر به نام عون داشت که نام یکی عون اصغر و نام دیگری عون اکبر بود. مادر یکی از آن دو حضرت زینب (س) بود و مادر یکی دیگر نیز جمانه دختر مسیب بن نجبه بود.^{۱۷} پس در اینکه کدام یک از این دو در واقعه کربلا حضور داشتند و کدام یک فرزند حضرت زینب کبری (س) بود، اختلاف است.

* ابوالفرج اصفهانی در حل این اختلاف می نویسد: «أَنَّ عَوْنَ الْأَكْبَرَ ابْنُ زَيْنَبَ (س) وَ هُوَ قُتِلَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) فِي وَاقِعَةِ الطِّفْلِ وَ أَنَّ أُمَّ عَوْنَ الْأَصْغَرَ جَمَانَةُ بِنْتُ الْمُسَيَّبِ وَ هُوَ الَّذِي أُسْتُشْهِدَ فِي وَاقِعَةِ الْحَرَّةِ» همانا عون اکبر پسر زینب کبری (س) بود که در واقعه کربلا به همراه امام حسین (ع) بنت مسیب بود که عون اصغر در واقعه حره در مدینه به شهادت رسیدند.^{۱۸}

بند سوم: داستان کوییدن سر مبارک بر چوبه محمل

اصل روایت را ابتدا علامه محمدباقر مجلسی نقل می کند که شخصی به نام «مسلم جصاص (گچکار)» نقل می کند که؛ من در کوفه مشغول تعمیر و گچکاری دارالعماره بودم که اسراء را وارد کوفه کردند. سپس حضرت زینب (س) هنگامی که با سر مبارک برادر رو به رو شد. فَطَطَحَتْ جَبِينَهَا بِمُقَدِّمِ الْمَحْمِلِ حَتَّى رَأَيْنَا الدَّمَ يَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ قَنَائِهَا

یشانی خود را به چوبه‌ی محمل زد و خون را دیدم که از زیر مقنعه‌اش بیرون می‌زد.

بررسی روایت: این روایت را علامه مجلسی در بحار الانوار بدون سند یا به اصطلاح «مرسل» نقل کرده و خود مرحوم مجلسی نیز به مرسل بودن آن اذعان کرده است و در ابتدای روایت می گوید: أَقُولُ رَأَيْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ الْمُعْتَبَرَةِ رُؤْيَ مُرْسَلًا عَنْ مُسْلِمِ الْجَصَّاصِ. در بعضی کتب معتبر از مسلم جصاص روایتی مرسل از مسلم جصاص نقل شده است. این اذعان شخص بزرگوار علامه مجلسی به نامعتبر بودن این روایت تاریخی کافیت.

{مرسل: حدیثی که مقابل خبر مسند می‌باشد، و خبری را که همه یا برخی از راویان آن از سلسله سند حذف و اتصال اسناد آن به معصوم قطع شده باشد؛ فرقی ندارد که نام راوی یا راویان از ابتدای سلسله سند یا از وسط و یا از آخر آن حذف شده باشد و یا راوی آن مشخص نباشد.}

علاوه بر مرسل بودن این گزارش، شخص «مسلم الجصاص» نیز مجهول است که موجبات ضعف سند را از جهتی دیگر نیز فراهم می کند.

مرحوم شیخ عباس قمی (ره) منشاء این روایت جصاص را دو کتاب «نورالعین» و «منتخب طریحی»

^{۱۷} أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۲۵

^{۱۸} مقاتل الطالبیین، ص ۸۳

می داند و در نقد سند آن می نویسد: ذکر محامل و هودج، در غیر خبر مسلم جصاص نیست و این خبر را گرچه علامه مجلسی نقل کرده؛ لیکن مآخذ آن منتخب طریحی و کتاب نورالعین است که حال هر دو کتاب بر اهل فن پوشیده نیست.^۱

کتاب «المنتخب فی جمع المراثی و الخطب» معروف به «منتخب طریحی»، نوشته فخرالدین طریحی از علمای قرن یازدهم است.

از آنجا که این کتاب کشکول گونه به صورت نامستند و بدون تحقیق تالیف شده، بسیاری از کتاب شناسان و حدیث پژوهان از آن انتقاد کرده اند. به عنوان نمونه مرحوم میرزا محمد ارباب می گوید که در کتاب منتخب مسامحات بسیار به کار رفته و روایت مختص به آن اعتباری ندارد. کتاب «نور العین فی مشهد الحسین (ع)» نیز کتابی بسیار ضعیف و نامطمئن است که حتی نویسنده آن نیز به درستی مشخص نیست. مرحوم علی بن عبدالله بحرانی ستری، از فقها و مراجع تقلید امامی قرن سیزدهم و چهاردهم، کتاب نورالعین را کتابی سراسر کذب و افترا و بهتان می خواند و بیان می دارد اشعاری که در این کتاب به اهل بیت و امام حسین (ع) نسبت داده شده آن قدر از نظر فصاحت و بلاغت و وزن و قافیه ضعیف است که نمی توان آن ها را به افراد عادی نسبت داد، چه برسد به فصیح ترین و افراد عرب! به نظر می رسد که علامه مجلسی این مطلب را از منتخب طریحی نقل کرده است؛ زیرا علیرغم آنکه مشهور شده است که مآخذ این روایت کتاب نورالعین است، در گزارشی که در آن کتاب آمده است، سخنی از داستان سر به محمل کوبیدن نیست، بلکه طبق نقل این کتاب، اساساً محملی بر روی شتران نبوده تا زینب (س) سرشان را به چوبه آن بکوبند.

این کوباندن سر در نسخه چاپی مقتل الحسین (ع) منسوب به ابی مخنف، نیز نیامده است. براساس گزارش های متقدمین، اسراء را با شتر بدون جهاز می بردند تا ناراحتی ببینند و تنها در این روایت است که وجود محمل بر روی شترها ذکر شده است. اساساً محمل یک وسیله محترمانه است و هیچ کس آن را برای اسیر خود انتخاب نمی کند. لذا محملی وجود نداشت که به فرض حضرت زینب (س) سر خود را به آن بکوبند. این مطلبی است که شیخ مفید و سید بن طاووس، شیخ طوسی آنرا بیان نموده اند. به عنوان نمونه، راوی نقل می کند من در کوفه بودم و تجمع مردم کوفه را مشاهده کردم در حالی که مردم هم برای دیدن آن از خانه هایشان بیرون آمده

^۱ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۵۶۹

^۲ عاشورا پژوهی با رویکرد تحریف شناسی، ص ۷۱

بودند؛ فَلَمَّا أُقْبِلَ بِهِمْ عَلَى الْجِمَالِ بَغِيرٍ وَطَاءٍ» پس وقتی کاروان اسراء کربلا نزدیک شد، دیدم اهل بیت (ع) را سوار بر شتران بی جهاز کرده اند. افزون بر این، در خود اشعاری که در این روایت به امام سجاد (ع) نسبت داده شده به صراحت آمده است؛ تُسِيرُونَا عَلَى الْأَقْتَابِ عَارِيَةً مَا رَا بَرِ شْتَرَانِ برهنه سوار کردند. روشن است که منظور حضرت (ع) شخص وی نیست، بلکه تمام اسرا را این گونه سوار کردند.

بخش سوم: محور سوم

بند اول: حضور در نهضت کربلا

در نهضت کربلا، در مقاتل در چند موقف اسم حضرت زینب (ع) آمده است:

الف) شب عاشورا

امام سجاد (ع) فرمود: وقتی امام حسین (ع) ماجرای شهادت خویش و اسارت اهل بیتش را در شب عاشورا به حضرت زینب (س) فرمود: حضرت زینب (س) از شدت حزن و اندوه و ماتم؛ لَطَمَتْ وَجْهَهَا وَ هَوَتْ إِلَى جَبِيهَا فَشَقَّتْهُ وَ خَرَّتْ مَغْشِيًا عَلَيْهَا صورت را خراشید و دست به گریبان برد و چاک زد و سپس بی هوش بر زمین افتاد امام حسین (ع) برخاست و آب بر روی صورت خواهر پاشید و فرمود: يَا أُخْتَاهُ! اتَّقِي اللَّهَ وَ تَعَزِّيْ بِعَزَاءِ اللَّهِ خَوَاهِرُم! پرهیز کاری پیشه کن و با آن شکيائي ای که خدا بهره ات سازد، بردباری کن.^۱

ب) پس از شهادت حضرت علی اکبر (ع)

در مقاتل آمده است که حضرت زینب (س) بعد از مطلع شدن از شهادت حضرت علی اکبر (ع) از خمیه گاه بیرون آمد و ندبه کنان خود را به نعش بی جان پسر برادر رساند. وقتی زینب کبری (س) با بدن قطعه قطعه شده حضرت علی اکبر (ع) مواجه شد؛ «فَأَكْبَتْ عَلَيْهِ»: خود را بر روی بدن بی جان علی اکبر (ع) انداخت. در این حین از آنجایی که امام حسین (ع) توسط دشمنان محاصره شده بودند، و در مقابل نگاه های آنها قرار گرفته بودند. امام حسین (ع)؛ «فَأَخَذَهَا وَ رَدَّهَا إِلَى النِّسَاءِ» نعش علی اکبر (ع) را رها کرد و دست خواهر را گرفت و به سمت خمیه گاه، نزد زنان خیام برگرداند.^۲

پ) هنگام شهادت حضرت علی اصغر (ع)

^۱ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۴

^۲ الارشاد، ج ۲، ص ۹۴

^۳ اللهوف، ص ۱۱۴

طبق گزارش مقاتل وقتی امام حسین (ع) در روز عاشورا استنصار می کرد. «فَارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُ النِّسَاءِ بِالْعَوِيلِ فَتَقَدَّمَ إِلَيَّ الْخِيَمَةُ» ندای استغاثه امام (ع) به اهل خیم رسید، صدای گریه و ناله از بانوان حرم برخاست. امام حسین (ع) به سمت خیمه ها پیش افتاد و به حضرت زینب (س) فرمود ناولینی و لَدَى الصَّغِيرِ حَتَّى أُودِعَهُ خواهرم! فرزند خردسالم را به من بده تا با او وداع کنم. حضرت زینب (س) طفل شیرخوار را نزد امام حسین (ع) آورد، و به آغوش پدر داد.

ت) قبل از شهادت عبدالله بن حسن (ع)

طبق بیان مقاتل وقتی امام حسین (ع) در قتلگاه افتاده بود، حضرت عبدالله (ع) در کنار زینب کبری (س) بود، ولی وقتی صحنه دلخراش عمومی خود را دید؛ قَابَى وَامْتَنَعَ عَلَيْهَا امْتِنَاعاً شَدِيداً وَ قَالَ : وَ اللَّهُ لَا أُفَارِقُ عَمِّی از ماندن نزد عمه امتناع کرد و از دست حضرت زینب (س) فرار کرد و خود را به امام (ع) در گودال قتلگاه رساند، در حالی که می گفت به خدا قسم از عمویم جدا نخواهم شد.

ث) هنگام وداع امام حسین (ع)

هنگامی که امام حسین (ع) در روز عاشورا قصد وداع کرد، به اهل حرم فرمود : «يَا أُخْتَاهُ! يَا أُمَّ كَلْثُومٍ! وَأَنْتِ يَا زَيْنَبُ وَأَنْتِ يَا رُقِيَّةُ وَأَنْتِ يَا فَاطِمَةُ، وَأَنْتِ يَا رُبَابُ، أَنْظُرْنَ إِذَا أَنَا قُتِلْتُ فَلَا تَشْفَقْنَ عَلَيَّ جَبِيًّا وَلَا تَحْمَسْنَ عَلَيَّ وَجْهًا وَلَا تَقُلْنَ عَلَى هَجْرًا» ای خواهرم! ای ام کلثوم! و تو ای زینب، و تو ای رقیه، و تو ای فاطمه، و تو ای رباب، زمانی که من به قتل رسیدم، در مرگم گریبان چاک نزید و روی نخرائید و کلامی ناروا بر زبان نرانید سپس حضرت (ع) فرمود : «يَا سَكِينَةُ، يَا فَاطِمَةُ، يَا زَيْنَبُ، يَا أُمَّ كَلْثُومٍ، عَلَيْكُنَّ مِنَ السَّلَامِ» ای سکینه، ای فاطمه، ای زینب، ای ام کلثوم، خداحافظ شما!

ج) آخرین لحظات حیات امام حسین (ع) در قتلگاه

طبق گزارشات وقتی عمر سعد به گودال قتلگاه نزدیک شد و حضرت زینب (س) در این لحظه به عمر سعد خطاب کرد : يَا بَنَ سَعْدٍ! أَيْقَتِلْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَأَنْتَ تَنْظُرُ إِلَيْهِ؟ ای فرزند سعد! آیا اباعبدالله کشته می شود و تو تماشا می کنی؟!

د) هنگام شهادت امام حسین (ع)

وقتی در عصر عاشورا دید دشمن امام حسین (ع) را محاصره کرده و بدن صد پاره ی امام (ع) در قتلگاه افتاده، رو به مدینه کرد و با صدایی غم انگیز، ندبه کنان خطاب به پیامبر اکرم (ص) عرضه داشت. «وَأُمِّحَمَّدَاهُ! صَلَّى عَلَيْكَ مَلِكُ السَّمَاءِ، هَذَا حَسَيْنٌ (ع) بِالْعَرَاءِ، مُرْمَلٌ بِالْدِّمَاءِ، مُقَطَّعُ الْأَعْضَاءِ» وامحمداه! درود فرشتگان آسمان بر تو، این حسین (ع) است که عریان بر خاک افتاده و

به خون آغشته شده و اعضایش از هم جدا شده است.

(و) هنگام هجوم به خیمه ها

شمر بعد از به شهادت رساندن امام حسین (ع) وارد خیمه شد و وقتی با امام سجاد (ع) رو به رو می شود، قصد کشتن امام سجاد (ع) را کرد، که در این هنگام حضرت زینب (س) خود را روی امام (ع) انداخت و فرمود « وَاللّٰهُ لَا يُقْتَلُ حَتَّى أُقْتَلَ »: به خدا قسم او کشته نمی شود مگر اینکه من کشته شوم که حضرت (س) به این آن پلید را از قصدش منصرف کرد.

(ه) مجلس عیدالله در کوفه

شیخ مفید نقل می کند که « وَأَدْخَلَ عِيَالُ الْحُسَيْنِ (ع) عَلَى ابْنِ زِيَادٍ فَدَخَلَتْ زَيْنَبُ أُخْتُ الْحُسَيْنِ (ع) فِي جُمْلَتِهِمْ مُتَنَكِّرَةً اهل بیت امام حسین (ع) وارد کاخ ابن زیاد شدند، حضرت زینب (س) در بین آنها با بی اعتنایی به ابن زیاد وارد کاخ شد و به گوشه ای از کاخ رفته و کنیزان حضرت (س) دور تا دور حضرت (س) قرار داشتند. در این هنگام عیدالله پرسید: مَنْ هَذِهِ الَّتِي اِنْحَاذَتْ نَاحِيَةً وَمَعَهَا نِسَاؤُهَا؟ این زن چه کسی است که از سایر اسراء جدا شده و دور تا دور او را کنیزانش فراگرفته است؟ کسی به او جواب نداد.

سؤالش را تکرار کرد و باز هم کسی جواب نداد.

دفعه سوم یا چهارم یکی از زنهای گفت:

هَذِهِ زَيْنَبُ بِنْتُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)

این زینب دختر فاطمه (س) دختر رسول اکرم (ص) است.

بعد از این که ابن زیاد، حضرت زینب (س) را شناخت، چنین گفت:

كَيْفَ رَأَيْتَ صُنِعَ اللَّهُ بِأَخِيكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ؟

رفتار خدا با برادر و خاندان خود را چگونه دیدی؟

زینب کبری (س) جواب داد: مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا مِنْ جَزْ خَيْرٍ وَ زِيَايَ چیزی ندیدم.

(ی) مجلس یزید در شام

وقتی کاروان اسرای کربلا وارد کاخ یزید شد، مجلسی رسمی متشکل از بزرگان شام و نمایندگان ادیان در کاخ تشکیل شد. و در این هنگام، به دستور یزید، اسراء را وارد مجلس کردند در حالی که چشم ها، همه به اسراء می نگرستند.

در این حین حضرت زینب (س) خطاب به یزید لعین فرمود:

«يَا بَنَ الطُّلُقَاءِ! أَمِنَ الْعَدْلُ يَا بَنَ الطُّلُقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَأَمَاءَكَ وَسَوْفُوكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) سَبَايَا؟ قَدْ هَتَكَتَ سُتُورَهُنَّ وَأَبْدَيْتَ وَجُوهَهُنَّ تَعْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَيَسْتَشْرِفُهُنَّ أَهْلُ

الْمَنَاهِلِ وَالْمَعَالِ وَ يَتَصَفَّحُ وَجُوهَهُنَّ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ»

آیا این از عدالت است که همسران و کنیزان خودت را در پشت پرده‌ها قرار داده‌ای، ولی دختران رسول خدا (ص) را به عنوان اسیر، روانه کرده‌ای، پرده‌های حرمت آنان را دریده، چهره‌هایشان را آشکار ساخته و زیر سلطه دشمنان از شهری به شهری می گردانی، آن گونه که مردم شهرها و آبادی‌ها و قلعه‌ها و بیابان‌ها به آنان می نگرند و دور و نزدیک، چهره آنان را تماشا می کنند؟

بخش چهارم: محور چهارم

بند اول: دلیل هجرت به شام

در مورد علت هجرت حضرت زینب (س) به سرزمین شام سه دلیل بیان شده است:

الف) تبعید ایشان به شام توسط یزید

حضرت زینب (س) پس از بازگشت از شام به مدینه، از هر فرصتی استفاده می کرد و در هر مجلس و محفلی چهره ی پلید یزید و یزیدیان را افشاء می نمود و مردم را به قیام علیه یزید تحریک می کرد این خبر توسط فرمانداران و جاسوسان به یزید رسید و او فهمید که اگر زینب کبری (س) در مدینه بماند، سرزمین حجاز را بر ضد دستگاه یزید می شوراند، زیرا زینب (س) در مدینه همواره رسواگر حکومت یزید بود و مردم را بر ضد او می شوراند و هدف شهیدان کربلا را بیان می کند بنابراین یزید دستور داد او را از مردم دور کنند و به مصر تبعید نمایند تا از نزدیک ایشان را زیر نظر داشته باشد. حضرت (س) به مصر تبعید شد و به نقل برخی منابع در مصر از دنیا رفت. بنابر نقل برخی دیگر از منابع مدتی در مصر ماند و بعد از اینکه همسرش عبدالله بن جعفر که تاجر بود به شام آمد، حضرت زینب (س) برای دیدن همسرش از مصر به شام عزیمت کرد و در این سفر در شام از دنیا رفت.

ب) به خاطر در امان ماندن از واقعه حرّه

منظور از واقعه حرّه، همان برخورد خشونت آمیز لشکر شام به دستور یزید به فرماندهی مسلم بن عقبه (مُسْرِف) با قیام مردم مدینه در سال ۶۳ بود. فرمانده سپاه شام، مسلم تا سه روز اموال و نوامیس مردم مدینه را بر لشکر خود مباح نمود در این فاجعه از بزرگان مهاجر و انصار هزار و هفتصد تن و از سایر مسلمین ده هزار تن به قتل رسیدند. سپاه بی حیای شام شروع به غارت و هتک حرمت نوامیس مسلمانان کردند در این حادثه با هزار دختر باکره زنا کردند، و هزار زن بی شوهر باردار شدند، که آنها را اولاد حرّه نامیدند. پس حضرت زینب (س) برای در امان ماندن از این حادثه هولناک به شام رفت و در آنجا از دنیا رفت.

ج) به خاطر قحطی در سرزمین حجاز و مخصوصاً مدینه

علت مسافرت حضرت زینب(س) از مدینه به شام، این بود که قحطی شدیدی در حجاز و مدینه پدید آمد. عبدالله بن جعفر شوهر حضرت زینب(س) تصمیم گرفت به همراه زینب کبری(س) به شام سفر کند، و پس از نابودی قحطی، به حجاز بازگردد.

د) همراهی با عبدالله به شام جهت سرکشی به باغات و اراضی عبدالله

عبدالله بن جعفر در شام صاحب مزرعه و باغستان بود و از طرفی آب و هوای شام نیز بسیار مطلوب و سرزمین سرسبزی بود. پس عبدالله به شام سفر کرد و زینب کبری(س) نیز در این سفر به همراه شوهرش بود و حضرت(س) در مدت اقامت در آنجا، مریض شد و از دنیا رفت.

بند دوم: نقد و بررسی احتمالات

احتمال اول: اکثر روایانی که عیدلی از آنان روایت نقل کرده است، مجهول هستند و در کتب رجال و تراجم و نسب هیچ اثری از آن روایان نیست و زینبی که در مصر (قاهره) دفن شده است، زینب بنت یحیی المتوج بن الحسن الانور بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب است. اینکه ایشان به این دلیل از مدینه به مصر تبعید شوند و بعد از مصر به شام رفته باشند، و در آنجا از دنیا رفته باشند، قول مشهور است.

احتمال دوم: حضرت زینب(س) به نقل مشهور در سال ۶۲ هجری قمری، یعنی یکسال بعد از واقعه کربلا از دنیا رفته است و واقعه حره در مدینه در سال ۶۳ هجری اتفاق افتاده است و در صورت صحت تاریخ وفات ایشان در آن سال، مطمئناً ایشان این واقعه را درک نکرده است و دیگر اینکه اهل بیت به امامت امام سجاد(ع) در آن سال وقوع حادثه حره در مدینه حضور داشتند و دلیلی ندارد که حضرت(س) به خاطر این حادثه آن هم به سرزمین شام رفته باشند؟

احتمال سوم: در تاریخ هیچ نقلی درباره وقوع حادثه قحطی و خشکسالی در مدینه گزارش نشده است و مدینه از شهرهای مهمی است که مثل بسیاری از شهرهای مهم دنیا برای آن تاریخ‌های متعددی نوشته‌اند. بعضی از این کتاب‌ها به حوادث مهمی که در مدینه اتفاق افتاده مثل سیل، آتش گرفتن حرم رسول اکرم(ص) و زیدن باد سرخ و.. پرداخته‌اند. اگر چنان قحطی و گرسنگی در آن سال در مدینه اتفاق افتاده بود، قطعاً در این کتاب‌های تاریخی درباره آن بحث می‌شد، در حالی که چنین چیزی مطرح نشده است.

احتمال چهارم: اینکه گفته شده است که عبدالله بن جعفر در حومه دمشق مزرعه و باغ و اراضی داشته و همراه همسرش جهت سرکشی یا بهره‌برداری از آن‌ها رفته بوده و در این سفر حضرت زینب(س) در گذشته است مطلب بی‌اساسی است و در هیچ یک از کتب تاریخی از چنین مزرعه

ای اسمی به میان نیامده است.

بند سوم: وفات

در مورد تاریخ وفات و علت وفات ایشان نیز محل اختلاف است اما مشهور این است که آن حضرت در ۱۵ رجب سال ۶۲ هجری پس از تحمل مصائب کربلا و رنج‌های اسارت در ۵۷ سالگی از دنیا رفتند. اقوال شاذی هم وجود دارد که علت وفات حضرت زینب(س) را شهادت ایشان به واسطه سم می‌دانند. «أَنَّهَا قُتِلَتْ بِسَبَبِ السَّمِّ الَّذِي قَدْ يَكُونُ دُسٌّ إِلَيْهَا مِنْ قَبْلِ الطَّاعِيَةِ يَزِيدُ، حَيْثُ لَا يَبْعُدُ أَنْ يَكُونَ قَدْ تَمَّ ذَلِكَ بِسَرِيَّةٍ تَامَةٍ، خَفِيَ عَنِ النَّاسِ وَعَنِ التَّارِيخِ» زینب کبری(س) به سبب سمی که از طرف طاغوت زمان، یزید بن معاویه به ایشان خورانده شد، به شهادت رسید که بعید نیست، شهادت ایشان به خاطر این عمل باشد که از تاریخ و مردم پنهان مانده است.

بند چهارم: محل دفن

در مورد محل دفن حضرت زینب(س) سه دیدگاه وجود دارد:

الف) شام

نقل مشهور این است که قبر مطهر حضرت زینب(س) در شام است و این مکان اکنون در جنوب دمشق قرار دارد و به سبب وجود حرم حضرت زینب(س)، این منطقه «شهرک السیده زینب(س)» نام گرفته است.

*عماد الدین طبری در «کامل بهائی» می‌نویسد «رَوَى أَنَّ أُمَّ كَلْثُومَ (س) أُخْتِ الْحُسَيْنِ (ع) تُوفِّيَتْ بِدِمَشْقَ وَ تَبَّتْ مَا يَقُولُهُ الْبَعْضُ مِنْ أَنَّ زَيْنَبَ (س) هِيَ أُمُّ كَلْثُومَ» روایت شده است که ام کلثوم(س) خواهر امام حسین(ع) در دمشق وفات یافته و ثابت شده است که زینب(س) همان ام کلثوم است.

ب) مدینه

برخی از مورخان، قبرستان بقیع در مدینه را محل دفن ایشان دانسته‌اند.
*سید محسن امین عاملی می‌نویسد «يَجِبُ أَنْ يَكُونَ قَبْرُهَا فِي الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ فَإِنَّهُ لَمْ يَثْبُتْ أَنَّهَا بَعْدَ رُجُوعِهَا لِلْمَدِينَةِ خَرَجَتْ مِنْهَا قَبْرَ حَضْرَتِ زَيْنَبَ (س) فِي الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ» می‌باشد و بعد از رجوعش از شام به مدینه، اینکه مجدد از مدینه خارج شده باشد، ثابت نشده است.

ب) مصر

برخی نیز مرقد مطهر حضرت زینب کبری(س) را در مصر دانسته‌اند. این بارگاه در قاهره در منطقه سیده زینب قرار دارد و به مقام السیده زینب(س) و مسجد السیده زینب(س) مشهور است.
*عبدلی طبق نقلی می‌نویسد: «تُوفِّيَتْ زَيْنَبُ (س) بِنْتُ عَلِيٍّ (ع) سَنَهُ ۶۲ مِنَ الْهَجْرَةِ وَ دُفِنَتْ بِمَخْدَعِهَا بِدَارِ مُسْلَمَةَ الْمُسْتَجِدَّةِ بِالْحَمْرَاءِ الْقَصَوَى» دختر امام علی(ع) در سال ۶۲ هجری در گذشت

و بدن ایشان در خانه «مسلمه بن مُخَلَّد» در منطقه «الحمراء القُصوی» (منطقه ای بین قاهره و شهر فسطاط) در مصر دفن شد.

نتیجه گیری

با لطف خداوند منان و عنایت اهل بیت (علیهم السلام) ما این پژوهش را با موضوع «گزاره هایی از زندگانی حضرت زینب (سلام الله علیها)» شروع کردیم و در آغاز با اشاره ای مختصر و در عین حال دقیق، اختلاف نقلهای ولادت و حتی وفات ایشان را متذکر شدیم. و به این نتیجه رسیدیم که در منابع متقدم و معتبر تاریخی و روایی اشاره ای دقیقی به روز ولادت و حتی رو وفات ایشان نشده است.

دختر امیرالمومنین (ع) که عالمه غیر معلمه است و این تعبیر نه از جانب علماء یا دیگران باشد بلکه عین تعبیر امام معصوم یعنی حضرت زین العابدین امام سجاد (علیه السلام) است که در کوفه این بیان گهربار را خطاب به حضرت زینب (سلام الله علیها) با این تعبیر بیان فرموده اند. «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرَ مُعَلَّمَةٍ وَ فَهَمَةٌ غَيْرَ مُفَهَّمَةٍ»: شما الحمدلله بانوی دانشمندی هستید که تعلیم ندیده، و بانوی فهمیده ای هستی که بشری تو را تفهیم ننموده است.

حضرت زینب (سلام الله علیها) در بین زنان قریش و بنی هاشم به خاطر درایت و تدبیر و حلم و بردباری اش ملقب به «عاقلة» و «عقيلة» و «عقيلة النساء» شده بود.

نام حضرت زینب (سلام الله علیها) تنها نام شخصیت غیر معصومی است که از جانب خدا در طی ابلاغ پیک وحی جبرائیل به حضرت رسول اکرم (ص) رسیده است.

و مراد از «ام کلثوم» در احادیث و اخبار، همان زینب کبری (سلام الله علیها) است که بعضی اوقات با اسم و بعضی اوقات با کنیه نام برده می شود.

چنانچه زینب کبری (سلام الله علیها) در سال ۵ هجری متوگد شده باشد، تنها ۵ سال محضر رسول خدا (ص) را درک کرده است و عبیدلی نسابه از عالمان قرن سوم هجری به این اشاره کرده است که «زینب در زمان حیات جدش به دنیا آمده است».

پس علاوه بر اینکه پنج تن آل عبا را درک کرده است، می توان گفت پنج امام را هم درک کرده است که علاوه بر پدر و برادران خود، امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) را هم درک کرده است.

بارزترین برهه حیات ایشان، نقش ویژه او در واقعه کربلا و دوران اسارت پس از این واقعه است. از او به خاطر صبر و پایداری در واقعه عاشورا علی رغم از دست دادن عزیزترین کسانش به عنوان اسوه صبر و مقاومت یاد کرده اند.

همانگونه که گفته شد مزار حضرت زینب (سلام الله علیها) نیز اختلاف است و این اختلاف هم به

دلیل نبود منابع کافی معتبر و متقدم است.

از عوامل مهمی که باعث رواج تحریفات حماسه عاشورا شده است تلاش بعضی از روضه خوانان برای ایجاد رقت قلب و گریه در مخاطبان بوده در این مسیر، جستجوی سوزناک‌ترین و رقت‌بارترین وقایع این حادثه نیز سرلوحه کارهای آنان شمرده شده است و این افراد اگر به چنین هدف و غرضی در مقاتل و منابع معتبر دسترسی پیدا نمی‌کردند براساس اقتضائات احوال حدسیه شهدای کربلا، به جعل و پردازش اسطوره‌ها و افسانه‌های سوزناک و گریه‌آور اهتمام می‌ورزیدند تا به هر شکل ممکن، به هدف و نیت خود که همان بکاء یا تباکی بود، جامه عمل بپوشانند. مهمترین این تحریفات، ماجرای سر بر چوبه محمل کوبیدن توسط حضرت زینب است که در مطالب فوق به آن اشاره شده است.

منابع و مآخذ

- * مفید، محمد بن محمد (متوفی ۴۱۳ ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، انتشارات موسسه آل البيت، چاپ ۱۴۱۳ ق
- * طوسی، محمد بن حسن (متوفی ۴۶۰ ق)، الامالی، انتشارات دارالثقافة، ط ۱۴۱۴ ق
- * ابن ابی الحدید معتزلی، عبد الحمید (متوفی ۶۵۲ ق)، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، انتشارات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ط ۱۴۰۴ ق
- * بلاذری، احمد بن یحیی (متوفی ۲۷۹ ق) أنساب الأشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ط ۱۳۹۴ ق
- * عبیدلی، یحیی بن حسن (متوفی ۲۷۷ ق)، أخبار الزینبات، با تحقیق محمد جواد حسینی مرعشی نجفی، بنیاد محقق طباطبائی، قم، ط ۱۴۰۱ ق
- * طبری، عمادالدین حسن بن علی (متوفی قرن هفتم)، کامل بهایی، انتشارات مرتضوی، تهران، ط ۱۳۸۳ ش
- * طبری، ابی جعفر محمد بن جریر (متوفی ۸۵۲ ق) تاریخ الرسل و الملوك، انتشارات دار الكتب العلمیه، بیروت، ط ۱۴۰۸ ق
- * اصفهانی، ابوالفرج علی بن محمد، مقاتل الطالبیین (متوفی ۲۵۶ ق)، مؤسسه دار الكتاب، قم، ط ۱۳۸۵ ش
- * ابن طاووس، علی بن موسی (متوفی ۶۶۴ ق)، اللهوف فی قتلى الطفوف، انتشارات جهان، قم، ط ۱۳۴۸ ش
- * ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی (متوفی ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، انتشارات الحیدریه، نجف اشرف، ط ۱۴۲۳ ق
- * جوزی، جمال الدین عبد الرحمن بن علی بن محمد (متوفی ۵۹۷ ق)، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، انتشارات دار الكتب العلمیه، بیروت، ط ۱۴۱۲ ق
- * ابن حجر عسقلانی، أبوالفضل أحمد بن علی (متوفی ۸۵۲ ق)، الإصابه فی تمییز الصحابه، دار الكتب العلمیه، بیروت، ط ۱۴۱۵ ق
- * مجلسی، محمد باقر (متوفی ۱۱۱۰ ق)، بحار الانوار الجامعه اخبار الائمه (ع)، انتشارات دار الكتب الاسلامیه، تهران، ط ۱۳۵۹ ش
- * عربی، حسینعلی، تاریخ تحقیقی اسلام (ترجمه کتاب موسوعه التاريخ الاسلامی)، مؤسسه

- آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ط ۱۳۸۳ ش
- * امین عاملی، سید محسن (متوفی ۱۳۷۱ ق)، أعيان الشيعة، انتشارات دار التعارف، بيروت، ط ۱۴۲۱ ق
- * قزوینی، سید محمد کاظم (متوفی ۸۵۲ ق)، زینب الكبرى (س) من المهد الى اللحد، انتشارات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بيروت، ط ۱۴۲۷ ق
- * قمی، عباس (متوفی ۱۳۵۹ ق)، هديه الزائرین و بهجة الناظرین، انتشارات مؤسسه جهانی سبطين، قم، ط ۱۳۸۳ ش
- * قمی، عباس (متوفی ۱۳۵۹ ق)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل، انتشارات دلیل ما، ط ۱۳۷۹ ش
- * محلاتی، ذبیح الله (متوفی ۱۴۰۶ ق)، ریاحین الشریعة، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ط ۱۳۶۹ ش
- * حسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، انتشارات دارالأسوة، تهران، ط ۱۳۳۸ ش
- * جزایری، سید نورالدین (متوفی ۱۱۵۸ ق)، الخصائص الزینبیة، به تحقیق ناصر باقری بیدهندی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ط ۱۳۸۴ ق
- * بحرانی ستری، علی بن عبدالله (متوفی ۱۳۱۹ ق)، قامعه أهل الباطل بدفع شبهات المجادل، به تحقیق شیخ نبیل رضا علوان، انتشارات انصاریان، قم، ط ۱۳۸۵ ش
- * صدر الکاظمی، سید حسن (متوفی ۱۳۵۴ ق)، نزهة أهل الحرمين فی عمارة المشهدين، به تحقیق سید مهدی رجایی، انتشارات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ط ۱۳۸۹ ش
- * طریحی، فخرالدین (متوفای ۱۰۸۵ ق)، المنتخب فی جمع المراثی و الخطب، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بيروت، ط ۱۴۱۷ ق
- * نقدی، جعفر، زینب الكبرى (س) بنت الإمام أميرالمومنین علی بن أبی طالب (ع)، انتشارات منشورات مکتبه المفید، قم، ط ۱۳۶۲ ش
- * رحمانی همدانی، احمد (متوفی ۱۳۵۴ ق)، فاطمة الزهراء (س) بهجة قلب المصطفى (ص)، انتشارات منیر، ط ۱۳۷۸ ش
- * صحتی سردودی، محمد، عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)، انتشارات خادم الرضا (ع)، تهران، ط ۱۳۸۸ ش